

بررسی ادراک، تجربیات و ترجیحات ساکنان به منظور بهبود عملکرد در ساختمان‌ها با رویکرد زیست محیطی در تهران

مهدی داداشی - دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
منصور سپهری مقدم* - استادیار، گروه معماری و شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
حسین ذبیحی - دانشیار، گروه معماری و شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Evaluation of Resident's Perceptions, Experiences and Preferences to Enhance the Environment-Oriented Building's Performance in Tehran

Abstract

In recent years, number of sustainable buildings has been increased in different countries. In Iran, sustainable architecture design and construction have gradually improved over the years as well. However, there is a need to review the current quality of the residential spaces in environment oriented buildings and to improve conditions, taking into account the perceptions, experiences and preferences of their inhabitants. Failure to provide a suitable space for social interaction and the lack of respect for the residents' taste in the design has a significant impact on the comfort level of residents. Hence, this study aims to cover the research objectives in two stages: Firstly to evaluate the quality of the residents' experiences in both private individual units indoors and common spaces of the buildings and secondly to identify environmental design according to the residents' preferences. It is also worth to mention that the scope of this research was on four environmental oriented residential buildings in Tehran. To proceed with this research, 204 questionnaires were distributed in these four residential buildings. The analysis process was implemented by the ChiSQ and AVALUE programs in the Statistical Package for Social Science (SPSS) statically tool. The researcher is trying to expand the sustainable concept in all aspects of sustainability consistent with environmental issues and developments in building technology. The purpose of this quantitative research, as mentioned above, is to collect information through the study of previous literature as well as access to new information according to questionnaires designed in the research process. The results indicate the significant demand of residents in order to improve the existing facilities towards social interactive between individual units. The research has positive effect on residential buildings changes with an environmental approach; also it could increase the knowledge of existing and future researchers in the country.

Key Words: Environmental oriented buildings, residential buildings, sustainable architecture, residents' perception, residents' experiences, resident's preferences.

چکیده

طی سالهای اخیر، ساختمان‌هایی تحت عنوان «معماری پایدار» در کشورهای مختلف جهان طراحی و ساخته شده‌اند. در ایران نیز، شاهد پیشرفت در طراحی و ساخت این ساختمانها بوده‌ایم. اگرچه نیاز مبرمی به بررسی وضعیت فعلی این ساختمانها و بهبود شرایط با توجه به در نظر گرفتن ادراک، تجربیات و ترجیحات ساکنین آنها احساس میشود. عدم ایجاد فضای مناسب برای تعاملات اجتماعی و عدم رعایت سلیقه ساکنین در طراحی این ساختمانها تاثیر واضحی بر میزان آرامش و آسایش افراد می‌گذارد. از این رو، این مطالعه قصد دارد تا با پوشش دهی اهداف تحقیق در دو مرحله به: ارزیابی سطح کیفی تجربه ساکنین در وضعیت موجود در هر دو فضاهای خصوصی و فضاهای مشترک ساختمانهای مسکونی و شناسایی عوامل محیطی طراحی طبق ترجیحات و سلیقه ساکنین در داخل واحدهای مسکونی و در فضاهای مشترک بین همسایگی بپردازد. همچنان شایان ذکر است که محدوده این تحقیق در چهار ساختمان مسکونی با رویکرد زیست محیطی در شهر تهران بوده است. در این راستا، ۲۰۴ پرسشنامه در این چهار ساختمان مسکونی توزیع شده است. روند تحلیل توسط برنامه ChiSQ و AVALUE در ابزار آماری^۱ (SPSS predictive) پیش برده شده است. محقق سعی بر آن دارد تا به تبیین مفهوم پایدار در تمامی ابعاد پایداری همگام با مسائل زیست محیطی و پیشرفت‌های تکنولوژی ساختمانی بپردازد. برای رسیدن به این هدف در مورد محیط فیزیکی در فضاهای مسکونی فعلی، این مطالعه، در تهران صورت گرفته است. این تحقیق می‌تواند کمک به بهبود کیفیت فضاهای مسکونی با استفاده از برخی از تغییرات در طراحی موجود داشته باشد. هدف از این تحقیق کمی، جمع‌آوری اطلاعات از طریق بررسی و مطالعه تحقیقات قبلی و همچنین دست‌یابی به اطلاعات جدید طبق پرسشنامه‌های طراحی شده در فرایند روش پژوهش میباشد. با ارائه و بررسی پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده از ساکنین برای پیدا کردن درک بهتر در مورد وضع فعلی و همچنین عوامل محیطی فیزیکی فضاهای مسکونی طبق اولویت و ترجیحات ساکنین و چگونگی تبدیل آن به فضایی بهتر سوال شده است که نشان دهنده میزان تقاضای قابل توجه ساکنین برای ارتقا شرایط موجود امکانات رفاهی ساختمانها در خصوص فضاهای مشترک و تعاملی بین واحدها میباشد. این تحقیق بر آنست که بتواند در کنار بهینه سازی ساختمانهای مسکونی با رویکرد زیست محیطی، کمک به افزایش دانش طراحان و محققان موجود و آینده کشور نیز داشته باشد.

واژگان کلیدی: ساختمانهای زیست محیطی، ساختمانهای مسکونی، معماری پایدار، ادراک ساکنین، تجربیات ساکنین، ترجیحات ساکنین.

1. Statistical Package for the Social Science

* این مقاله مستخرج از پایان نامه دکترای مهدی داداشی است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به راهنمایی و مشاوره آقایان: دکتر منصور سپهری مقدم و دکتر حسین ذبیحی در حال انجام است که بدینوسیله مراتب سپاس خود را معاونت پژوهشی این دانشگاه اعلام می‌دارد.

مقدمه

«صورت‌بندی جدید فضا و مکان» در نیمه دوم قرن بیستم میلادی، رویکرد چشم‌اندازگرایانه را در تفسیر جغرافیای فرهنگی-زیست محیطی متمایز ساخته است، اگر تاپیش از این هژمونی امر «تاریخ‌گرایانه» به بر ساخت «معنا و هویت در خانه» می‌پرداخت و وجهی هندسی به آن می‌بخشید، در تأملات «اگزیستانسیل» اخیر، فضاهای جغرافیایی خود را از تسلط امر تاریخی رها ساخته‌اند، فضا به درون تکثر هم‌زمانی از معانی و نشانه‌های مونتاژ شده‌ای پرتاب شده است و به مثابه درهم‌آمیختگی و چهل تکه‌گی که در تولید و بازتولید معنا و بهبود شرایط زیست‌ساز قابل تفسیر است. از سویی دیگر، انسان‌شناسان معاصر به بازتعریف در تفسیر نسبت به فضا- مکان روی آورده‌اند؛ ساختن ترکیب «نامکان‌ها» برای تفسیر انسان‌شناختی [در اینجا تجربیات و ترجیحات ساکنان به منظور بهبود عملکرد در ساختمان‌ها با رویکرد زیست محیطی در تهران] فضاهای جهان سوپر مدرنیته توسط صاحب‌نظران نمونه‌ای از این تفسیرهای جدید در بستر مطالعات اجتماعی- زیست محیطی است. لذا، «شهر محصول دوره‌های تاریخی متعدد و حاصل روابط خاص میان وجوه اجتماعی، فرهنگی، انسان‌شناسی، جغرافیایی و اقتصادی است و معماری امروز نیز در آینده بخشی از تاریخ شهرها خواهد بود». اسکان بشر نقشی تمدن ساز در فرآیند تاریخی توسعه جوامع داشته است و در این فرآیند، شهرها به مثابه برترین سطح اسکان، کانون ایفای این نقش بوده‌اند. چشم انداز توسعه جهانی نشان می‌دهد این نقش همچنان تداوم دارد (اسماعیل پور، ۱۳۸۹، ص ۹۶). مسکن از دیرباز مهمترین مسئله زندگی انسانها بوده است. داشتن سرپناهی مطمئن، ایمن و راحت، از آرزوهای دیرینه هر انسانی می‌باشد که در این راه با توسل به انواع روش‌ها و تکنولوژی‌ها سعی در بهتر نمودن روند شکل‌گیری و توسعه این آرزو داشته است (ملکی و شیخی، ۱۳۸۸، ص ۹۴). از سویی دیگر، توسعه سریع شهری، در چند دهه معاصر از ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... زندگی بشر را تحت تاثیر قرار داده است. مطرح شدن «توسعه پایدار»، به عنوان شعار اصلی هزاره سوم نیز ناشی از اثرات شهرها برگستره زیست کره و ابعاد مختلف زندگی انسانی است (قرخلو و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۱۵۷). ویژگی‌های جوامع شهری امروز سبب ناپایداری انسان‌ها و محیط زیست گردیده است (مفیدی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۵). انسان امروزی، بیش از نود درصد زندگی خود را

در فضاهای بسته سپری می‌کند. فضاهایی که در آنها زمان افراد اینگونه می‌گذرند به‌طور قطع نقش به‌سزایی در سلامت رفتاری، و فیزیکی آنها دارد. مطالعات زیادی در زمینه رونشناسی ثابت کرده‌اند که رفتارهای اکتسابی تحت تاثیر مستقیم کیفیت طراحی فضاها شکل می‌گیرند. در راستای ارتقا این کیفیت، همگام با پیشرفت‌های تکنولوژی، صنعت و توجه به شرایط جهانی محیط‌زیست بسیاری از بناها به رویکردهای زیست‌محیطی پرداخته‌اند. با توجه به تبلیغات گسترده، ارتباطات رسانه‌ای و در نظر گرفتن پتانسیل‌های مفید ساختمان‌ها با رویکرد پایداری و سبز، این بناها غالباً در ذهن مخاطب به نیکی جا افتاده‌اند، متوجه عدم تطابق رضایت ساکنین با ذهنیت جمعی این فضاها شده است. این عدم تطابق کیفیت خواستگاه ساکنین که از عواملی همچون زیبایی، روشنایی، تهویه، آکوستیک، و در مجموع رفاه و آسایش شکل می‌گیرد، بعضاً سبب بهم ریختگی‌های رفتاری ساکنین میشود. از سوی دیگر تاثیر مثبت ارائه امکانات رفاهی از قبیل لابی‌خوش آمدگو، سالن اجتماعات، فضای بازی کودکان و با هر فضایی دیگری برای تعاملات اجتماعی بروی سلامت روان و احساس امنیت ساکنین تأیید شده است. این مطالعه قصد دارد که فضاها و محیط‌های مسکونی را از نظر ادراک و تجربه ساکنین از بعد کیفی و پایداری اجتماعی نسبت به عوامل وابسته به طراحی، با در نظر گرفتن فاکتورهای پایداری و پاسخگویی به محیط زیست بررسی نماید. همچنان شایان ذکر است که این تحقیق به دیدگاه و نیازهای ساکنین در هر دو بخش خصوصی داخل واحدهای مسکونی و هم در بخش عمومی مشترک

۱. فرهنگ خانه از منظر انسان‌شناختی «مجموعه ارزش‌ها و معانی است که چستی و چگونگی مفهوم خانه در یک گروه یا قوم و ملت را تعریف و تعیین می‌کند». اینکه خانه را چگونه بسازیم، از چه مصالحی و موادی بهره بگیریم، چه نمادها و نشانه‌هایی در آن بکار بریم، درباره آن چه احساس و تلقی داشته باشیم، چه کارهای و فعالیت‌هایی در آن انجام بدهیم یا انجام آنها در خانه را ممنوع کنیم، چگونه خانه خود را توصیف و ترسیم نماییم، چه کسانی را در خانه ببریم و از ورود چه کسانی اجتناب کنیم، خانه را مقدس یا امری عرفی بدانیم، چه نسبتی بین خانه و سایر ابعاد زندگی اجتماعی برقرار سازیم، چه آیین‌هایی را درون خانه و کدام را بیرون آن بجا آوریم و تمام اینها بواسطه «فرهنگ خانه» در هر جامعه پاسخ داده می‌شود. و فرهنگ خانه زیر مجموعه‌ای از کلیت فرهنگ جامعه است. از اینروست که هر جامعه‌ای فرهنگ خاص خود را دارد، فرهنگی که متناسب تاریخ و جغرافیا و تجربه‌های یک ملت و قوم شکل می‌گیرد و با تغییر فرهنگ و شرایط اجتماعی، فرهنگ خانه نیز تغییر می‌کند. و از اینروست که دوره‌های مختلف تاریخی، فرهنگ‌های خانه مختلف را بوجود آورده و همچنان بوجود خواهد آورد.

بین واحدها ارزش نهاده است تا حدالامکان به ارائه راهکارهایی برای برآورده ساختن نیازها و بهینه‌سازی طراحی فضاهای مسکونی با رویکرد زیست‌محیطی بپردازد. محقق سعی بر آن دارد تا به تبیین مفهوم پایداری در تمامی ابعاد پایداری همگام با مسائل زیست محیطی و پیشرفت‌های تکنولوژی ساختمانی بپردازد. محقق برای بررسی وضعیت فضاهای مسکونی در ساختمان‌هایی با رویکرد زیست‌محیطی در تهران دست به این تحقیق زده است. در این تحقیق با معرفی کلیات موضوع، نویسنده به بسترسازی تحقیق می‌پردازد. در مرحله اول به منظور بسط مسائل مربوط به این پژوهش، به بیان مسئله، و معرفی اهداف پژوهش، و سوالات تحقیق می‌پردازد. در نهایت، طراحی روش تحقیق از لحاظ روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به طور خلاصه مورد بحث قرار گرفته است تا در بخش نتیجه‌گیری، به بحث درباره دریافت‌های این مقاله پرداخته شود. نتایج حاصل از این مطالعات نشان می‌دهد تا زمانی که در طراحی ساختمان‌های با رویکرد زیست‌محیطی، رفتارهای واقعی ساکنان در نظر گرفته نشود، رضایتمندی و آسایش آنان تامین نخواهد شد و عملکرد پیش‌بینی شده و کارایی ساختمان تضعیف خواهد شد. از این رو باید عوامل ادراکی و تجربی در اینگونه ساختمان‌ها شناسایی شده و در فرایند طراحی زیست محیطی موثر واقع شوند. به صورت خلاصه میتوان مسائل مورد بحث این تحقیق را اینگونه عنوان نمود که:

۱. عدم در نظر گرفتن سطح کیفی تجربه ساکنین وابسته به فقدان رعایت و تطابق طراحی با عوامل فرهنگی- اجتماعی بافت محیط.
 ۲. ضعف طراحی در رابطه با عوامل محیطی موثر بر رضایتمندی ساکنین مانند نور از هر دو منبع طبیعی و مصنوعی، دما، تهویه، آکوستیک، زیبایی بصری فضاهای داخلی از یک سو، و فقدان کیفیت محوطه فضای سبز، دسترسی آسان، خدمات رفاهی، اجتماعی و امنیت بنا در قسمت‌های مشترک و عمومی بنا از سوی دیگر.
- صرفنظر کردن از ترجیحات و سلايق کاربران ممکن است محل سکونت را از نظر ساکنین از تعریف خانه دور نماید. از این رو، این مطالعه همچنین به اثبات مشکلات طراحی که در بیانیه فوق آمده در نمونه‌های موردی این پژوهش می‌پردازد. بر اساس بررسی بهینه روند پیشرفت این تحقیق در ادامه بیان مسئله، در ادامه به اهداف تحقیق

میردازد: ۱) ارزیابی سطح کیفی تجربه ساکنین در وضعیت موجود در هر دو فضاهای خصوصی و فضاهای مشترک ساختمان‌های مسکونی و ۲) شناسایی عوامل محیطی طراحی طبق خواستگاه فرهنگی، اجتماعی و سلیقه ساکنین در داخل واحدهای مسکونی و در فضاهای مشترک بین همسایگی. اهمیت کیفیت محیطی فضاهای مسکونی در پیشبرد تعاملات افراد و در نهایت پیشرفت جامعه است که محقق در نظر دارد تا با پیشبرد اهداف این مطالعه اهمیت موضوع را پاسخ دهد. در ابتدای امر برای تحقق بخشی به اهداف اصلی مطالعه، نیاز به شناسایی شرایط فعلی ساختمان‌های مسکونی، بسط و توضیح عوامل موثر بر کیفیت فضاهای مسکونی، و شناسایی فاکتورهای اصلی طراحی باید پرداخته شود.

پیشینه تحقیق

با نگاهی به گذشته میتوان به اهداف امروز جامعه عمل پوشاند، و هیچ شکی نیست که این اهداف آینده را شکل می‌دهند. واژه «خانه» که امروزه مصطلح است در گذشته به «اتاق» اطلاق می‌شده است. اتاق را «وستاخ» یا «گستاخ» یا «وثاق» می‌نامیده اند. در دوره قاجاریه مردم برای خانه‌هایشان اهمیت ویژه‌ای قائل و معتقد بودند، «منزل» که از واژه «منزلت» می‌آید- جایی برای آسایش روانی و روحی انسان- به همین منظور برای زیباسازی آن معماری ویژه‌ای داشتند. همچنین برای شناسایی هرچه بهتر فضاهای مسکونی امروزه بهتر است تا به بررسی پیشینه عناصر خانه‌های ایرانی نیز پرداخته شود. عناصر خانه‌های ایرانی عبارت بوده اند از سردر، هشتی، حیاط، یا میانسرا، ایوان، و اتاق‌ها که در تمامی این فضاها، رعایت حریم همسایگی از یکسو، تعاملات ساکنین با یکدیگر و با همسایگی‌ها از سوی دیگر تعریف و برنامه ریزی شده است. اگرچه در دوران مدرن، معیارهای قدیمی رفتار تحت تأثیر ویژگی‌های این دوران دگرگون شده، در نتیجه روابط اجتماعی منزلت خود را از دست داده و افراد از هم فاصله می‌گیرند. به این ترتیب زندگی خصوصی، به سمت جدا شدن از زندگی عمومی میل می‌کند. نتیجه‌ای که حاصل می‌شود جدایی خانواده‌ها از اجتماع و زندگی اجتماعی و حرکت به سوی زندگی منفرد و خانواده هسته‌ای است. خانواده نه تنها باید تمام نقایص زندگی عمومی را جبران کند، بلکه تنها مکان تجربه‌های شخصی و روابط عاطفی نیز می‌گردد. امروز

خبری از هشتی نیست، مطبخ با پنجره‌های سنگی جدا شده‌اند به‌جایش یک‌راست وارد پذیرایی خانه می‌شوید و آشپزخانه‌های اوپن هم از بیرون پیداست هم از داخل تا هیچ حریمی برای اهل خانه دیده نشود:

۱. پورطاهری، فضلعلی و افتخاری در پژوهشی در ارتباط با الگوی فضایی مسکن پایدار به هفت مولفه‌ی اصلی: پویایی، سازگاری اجتماعی، تداوم، کارایی کالبدی، استحکام، یکپارچگی و مطلوبیت بصری اشاره می‌کنند و نتیجه می‌گیرند بهترین کار این است که به رسالت خانه بودن مسکن توجه بیشتری مبذول داشته و از هرگونه تک‌بعدی‌نگری در این مقوله پرهیز گردد. (پورطاهری، فضلعلی و افتخاری ۱۳۹۶).

۲. در پژوهشی دیگر، نقی‌زاده اصلی‌ترین خصیصه‌ی مسکن مطلوب را در لایه‌های معرفت‌شناختی و وجوه درونی انسان جستجو کرده؛ خودآگاهی و حس حضور را بهترین و عالی‌ترین صفت برای معماری خوب عنوان می‌کند. (نقی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۲۷).

۳. ارژمند و خانی نیز با پیمایشی در خانه‌های سنتی به مفهوم خلوت در چارچوب محتوایی مسکن مطلوب اشاره کرده و برقراری تعادل میان مصادیق خلوت و تعاملات اجتماعی در محیط مسکونی را، جزء کیفیت‌های واجد اهمیت در این زمینه می‌دانند (ارژمند و خانی، ۱۳۹۱، ص ۲۷).

۴. در ارتباط با کیفیت مسکن، سرتیبی‌پور با مطالعه‌ی نمونه‌های مسکن روستایی به این مهم می‌پردازد که کلید فهم خوب بودن خانه، در شناخت فضای آنهاست و نتیجه می‌گیرد. هر قدر نمای مسکن روستایی زیبا باشد، همانند پوسته‌ای است که در درون خود، گوهر گرانهای معماری یعنی فضای خوب (تهی مطلوب) را محصور نموده است (سرتیبی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۱۳).

۵. در پیمایشی که در یک گروه خویشاوندی انجام گرفته فکوهی و غزنویان، به مولفه‌ی گوناگونی فضایی در مسکن مطلوب اشاره کرده و بیان می‌دارند مسکن‌های فعلی با یک رویکرد حداقلی امکان انجام بسیاری از فعالیت‌ها را از ساکنینش سلب کرده و تأثیرات روانی، خانوادگی، فرهنگی

و اجتماعی آن بر کیفیت سکونت نامطلوب است (فکوهی و غزنویان، ۱۳۹۱، ص ۳۸).

۶. زارعی نیز با بهره‌گیری از روش تصمیم‌گیری چندشاخصه فازی، فاکتورهای ضروری کیفیت مسکن را استحکام، امنیت، آرامش، فرم مطلوب، تأمین تجهیزات و دسترسی، برخورداری از فضاهای طبیعی و اکولوژیک بیان کرده که به ترتیب مورد نظر ساکنین جهت ارتقاء کیفیت زندگی‌اشان است (زارعی ۱۳۹۶، ص ۵۶).

۷. با یک برخورد تکنولوژیک نجف‌آبادی و مهدوی‌پور نیز کیفیت مسکن را منوط به تکنیک‌ها و روش‌های ساخت دانسته و معتقدند انسانی بودن، متناسب بودن، ملموس بودن و سادگی از ویژگی‌های اصلی مسکن مطلوب است تکنولوژی در ایجاد آن نقش اساسی دارند (نجف‌آبادی و مهدوی ۱۳۹۲، ص ۵۱).

ضرغامی (۱۳۸۹) می‌نویسد در دهه‌های پایانی قرن بیستم و شروع قرن بیست و یکم، پایداری به عنوان یکی از مباحث مطرح در کلیه عرصه‌ها، به ویژه در عرصه فضاهای شهری و معماری مطرح بوده است. این موضوع میتواند از طریق سه مولفه اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی در کنار یکدیگر به تعادل برسد. وجه اقتصادی معمولاً به علت انگیزه‌های مالی و انتفاعی توسط سرمایه‌گذاران رعایت میگردد. حتی در اغلب اوقات به حد افراط مورد توجه قرار می‌گیرد و چه بسا مشکلاتی را از این برای سبب میشود. مسایل زیست محیطی نیز به فراخور هر جامعه برای خود ضوابطی دارد و مورد توجه واقع میشود، اما آنچه مغفول میماند وجه اجتماعی توسعه است. در سال‌های اخیر، پایداری از مهم‌ترین مباحث مطرح شده در تمام عرصه‌ها به ویژه در فضای معماری و شهر سازی می‌باشد. پایداری در پی ایجاد تعادل در سه مؤلفه اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی حاصل می‌گردد، که البته وجوه اقتصادی و زیست محیطی تا حدی مورد توجه قرار گرفته‌اند و حداقلاً مکان ضوابطی نیز برای آن‌ها در نظر گرفته شده است، اما در این میان بعد اجتماعی پایداری مورد کم توجهی واقع شده است. ۸. همچنان می‌توان به طور خلاصه، جدول زیر را بعنوان خلاصه‌ای از پیشینه تحقیقاتی در نظر گرفت.

جدول ۱. پیشینه تحقیق؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

عنوان کتاب/مقاله	نویسندگان	سال انتشار	توضیحات
Environmental Psychology for Design	Kopec, D	2006	بررسی فضاهای مسکونی نیازهای روانشناختی کاربران عوامل موثر فضاهای طراحی
Enhancing Green Building Performance	Osama Elsaeed Ahmed Mansour	2015	پایداری اجتماعی فضاها عوامل طراحی منطبق با رضایتمندی ساکنین
Green Building Perception Matrix	Osama Elsaeed Ahmed Mansour	2014	بررسی ساختمان های سبز جایگاه اجتماعی ساختمان های سبز
Time, culture, and behavioral sequences in negotiation	Adair, W., & Brett, J. M	2005	روانشناسی محیط
Light, Color and Environment	.Birren, Faber	1988	عوامل طراحی محیطی تأثیرات رنگ، نور و محیط
Environmental psychology: From spatial-physical environment to sustainable development	Bonnes, M., & .Bonaiuto, M	2002	روانشناسی محیطی توسعه پایداری
The Practical Failure of Architectural Psychology. Journal of Environmental Psychology	Dean, Ph	1996	روانشناسی محیط پایداری اجتماعی
The role of environmental satisfaction, communication, and psychological stress: Environment and Behavior	Huang, Y. H., Robertson, M. M., & .Chang, K. I	2004	رفتار شناسی معماری رضایتمندی محیطی استرس محیطی محیط و رفتار مخاطب
Health and Well-being for Interior Architecture	Kopec, D	2017	سلامت محیط عوامل طراحی داخلی محیط
High-performance building	.Lerum, V	2008	بررسی ساختمان های پایدار
Designing commercial interiors	Piotrowski, C. M., & Rogers, E. A	2007	طراحی فضاهای تجاری
Environmental Psychology	Saegert, S., & Winkel, G. H	1999	روانشناسی محیطی
Occupant satisfaction in LEED and non-LEED certified buildings	Altomonte, S., & .Schiavon, S	2013	رضایتمندی ساکنین فاکتورهای ال ای ای دی در ساختمان
Design for Social Sustainability at Seattle's Central Library	.Athens, L	2007	طراحی اجتماعی پایداری اجتماعی
Sustainable buildings in practice	Baird, G	2010	ساختمان های پایدار فاکتورهای اجرایی ساختمان های پایدار
Did that building feel good for you? Or - Isn't it just as important to assess and benchmark users' perceptions of buildings as it is to audit their energy efficiency	Baird, G	2011	رضایتمندی کاربران فضاها بررسی تجربه ساکنین از محیط

مواد و روش‌ها

سوالات این تحقیق به شرح زیر است: ۱. فاکتورهای نامطلوب در فضاهای مسکونی با رویکرد زیست محیطی از دیدگاه کاربران چیست؟ و ۲. اولویت عوامل طراحی محیطی از نظر کاربران فضاهای مسکونی برای دستیابی به تجربه بهتری از سکونت در فضاهای مسکونی کدامند؟ در راستای پیشبرد این مطالعه روش عمده برای اجرای این تحقیق، «روش تحقیق کمی» از طریق بررسی پرسشنامه بوده است. طرح تحقیقاتی این مطالعه شامل پنج مرحله اصلی تحت عناوین: مطالعه بستر تحقیق، بررسی ادبیات و پیشینه تحقیق، فرمول‌بندی کلمات کلیدی، تطابق اهمیت و ضرورت تحقیق با اهداف و در نهایت پرسشنامه بوده است. محقق در ابتدا با جمع‌آوری اطلاعات از طریق مطالعه پیشینه تحقیق و در ادامه با در نظر گرفتن عوامل طراحی موثر طبق اطلاعات بدست‌آمده از پیشینه تحقیق، با طرح پرسشنامه‌ای هدفمند به بررسی گروه مطالعاتی در چهار ساختمان مسکونی با رویکرد زیست محیطی در تهران، در راستای پوشش اهداف تحقیق پرداخته میشود. مخاطبین این پرسشنامه، ساکنین فضاهای مسکونی انتخاب‌شده در تهران می‌باشند. در این راستا، ۲۰۴ پرسشنامه در این چهار ساختمان مسکونی توزیع شده است. روند تحلیل توسط برنامه ChiSQ و AVALUE در ابزار آماری Sta-tistical Package for the Social Science (SPSS) ورژن ۲۰ پیش برده شده است. پرسشنامه مذکور در سه بخش اصلی: جویای اطلاعات (۱) عمومی مخاطبین، (۲) ارزیابی سطح کیفی تجربه ساکنین در وضعیت موجود در هر

دو فضاهای خصوصی و فضاهای مشترک ساختمان‌های مسکونی و (۳) شناسایی عوامل محیطی طراحی طبق خواستگاه فرهنگی، اجتماعی و سلیقه ساکنین در داخل واحدهای مسکونی و در فضاهای مشترک بین همسایگی گردآوری شده بوده است. روش تحقیقاتی مذکور محقق را قادر می‌سازد تا با ویژگی‌ها و شرایط فعلی فضاهای مسکونی، دیدگاه‌ها و نظرات ساکنین بیشتر آشنا شده و در نتیجه منجر به تقویت نظریات این تحقیق خواهد شد که در آن نیازهای مصرف‌کنندگان و ترجیحات آنها مورد اهمیت هستند که باید با معیارهای طراحی زیست محیطی سازگار باشند. پس بنابراین شناسایی ترجیحات ساکنین با روش‌های صحیح و مناسب جمع‌آوری داده‌ها برای این مطالعه بسیار ضروری بوده است. این پرسشنامه‌ها چهار برابر تعداد واحدهای هر ساختمان مسکونی مورد مطالعه ارائه گردید. بارگذاری پرسشنامه، در بخش اطلاعات عمومی، جوابگویی به سوالات از طریق انتخاب یک‌گزینه از چهارگزینه بوده است. در بخش ارزیابی ارزیابی سطح کیفی تجربه ساکنین در وضعیت موجود در هر دو فضاهای خصوصی و فضاهای مشترک ساختمانهای مسکونی، جوابگویی به سوالات از طریق ارزیابی پاسخها، برای گزینه کاملاً موافق امتیاز ۵، گزینه موافق امتیاز ۴، نامطمئن ۳، مخالف ۲ و برای گزینه کاملاً مخالف امتیاز ۱ منظور گردید. بعد از ارزیابی پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده، هشت پرسشنامه حذف گردید. تعداد سوالات بی‌پاسخ، و یا تکرار یک گزینه برای تمامی سوال‌ها پرسشنامه را فاقد اعتبار نموده است. در نهایت ۱۹۶ پرسشنامه، به مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها رسیده است.

جدول ۲. برخی مطالعات پژوهشگران در باب معماری پایدار و معماری اکولوژیک؛ ماخذ: نگارندگان.

نگارنده	سال	عنوان اثر	مطالب مهم ذکر شده
راین و کوان	۱۹۹۶	کتاب: طراحی اکولوژیک	به عنوان کتاب مرجع طراحی اکولوژیک در نزد طراحان محیط و منظر
لطیفی و علیزاد گوهری	۱۳۸۸	مقاله: معماری پایدار: انرژی، اقلیم و اکولوژی	معماری پایدار در راستای نیل به آسایش دستیابی به توسعه پایدار از دو جنبه پایداری تکنولوژیکی و پایداری اکولوژیکی
واتسون و لیز (ترجمه: قبادیان و فیض مهدوی)	۱۳۸۸	کتاب: طراحی اقلیمی: اصول نظری و اجرایی کاربرد انرژی در ساختمان	اصول پایه‌ای مواد، اصول و مبانی انواع مصرف‌کننده‌های الکتریکی و حفاظت‌کننده‌های آن‌ها، سیستم تبرید و اجزا و کنترل‌کننده‌های آن‌ها، کانال‌های هوا، سیستم تهویه مطبوع و غیره

نگارنده	سال	عنوان اثر	مطالب مهم ذکر شده
اصغری	۱۳۹۰	مقاله: بررسی مقایسه‌ای ریشه‌ها و مؤلفه‌های معماری پایدار و معماری اکولوژیک	تبیین مفاهیم معماری پایدار و معماری اکولوژیک بررسی سه مؤلفه اصلی: عناصر، منابع و محیط معماری اکولوژیک
قنوتی، سلطانی و رضایی	۱۳۹۱	مقاله: بررسی مفهوم معماری اکولوژیک در معماری پایدار	بررسی الگوهای سنتی اقلیم کویری صرفه‌جویی در مصرف انرژی و تاثیر زیست بوم بر روی بنا
صالحیان	۱۳۹۲	مقاله: رویکردی جامع به معماری پایدار در ابعاد اکولوژی، انرژی و اقلیم	معماری دستاورد رابطه منظم و دو جانبه انسان و طبیعت درک صحیح از طبیعت و آموزه‌های طبیعت با توجه به تولید و مصرف ابعاد اکولوژی، انرژی و اقلیم
فیضی، شقاقی و موسوی	۱۳۹۲	مقاله: طراحی اکولوژیک یا طراحی سبز	توسعه پایدار، معماری اکولوژیک، معماری سبز و رابطه آن‌ها با معماری و ساختمان
محمدپور فندرסקی	۱۳۹۲	مقاله: بررسی راهکارهای اقلیمی معماری اکولوژیک در ایران	رسیدن به معماری همساز با اقلیم و تلفیق آن با تفکر جدید معماری
احمدی پور، نکویی، طاهباز و اخترکاو	۱۳۹۳	مقاله: بهینه‌سازی اقلیمی مجتمع‌های مسکونی در مناطق معتدل و مرطوب	راهکارهای معماری، با کمک مطالعه این داده‌ها و اصول طراحی به کار رفته در معماری بومی منطقه
ادوارد (ترجمه: شهرروز تهرانی)	۱۳۹۳	کتاب: رهنمون‌هایی به سوی معماری پایدار	انرژی‌های تجدیدپذیر، روش‌های پایداری و طراحی پایدار
ویلیام ای (ترجمه توکلی)	۱۳۹۳	کتاب: طراحی پایدار (محیط زیست، معماری و برنامه‌ریزی)	نگاهی کلی و گسترده به اصول و شیوه‌های طراحی پایدار
دلجوی کوشالی، آمار، پرویزی و تحویل‌داری	۱۳۹۴	مقاله: بررسی معماری بومی گیلان با نگاه به معماری چوبی در راستای دستیابی به معماری پایدار	نقش عنصر چوب و کاربرد آن در بناهای مناطق گیلان ارتقای معماری پایدار و بومی همسان با طبیعت و اقلیم با بهره‌گیری از اصول معماری چوبی در راستای دستیابی به معماری پایدار

مبانی نظری تحقیق

مسکن مهم‌ترین عنصر شهر است که در توسعه پایدار شهر توجه به پایداری آن اساسی‌ترین وجه آن شناخته می‌شود. در واقع مسئله اصلی توسعه پایدار مسکن، توجه به نیازهای نسل آینده در عین بر طرف کردن نیازهای فعلی مسکن افراد جامعه است (محمودی، ۱۳۸۸، ص ۷). بنابراین مفهوم توسعه مسکن پایدار را می‌توان به عنوان «توسعه مسکن مطابق با نیازهای مسکن و خواسته‌های نسل حاضر بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده و منطبق با

نیازها و خواسته‌های آنها دانست» (Chiu,2004:65). می‌توان گفت که مسکن پایدار واقعی تنها می‌تواند با به رسمیت شناختن هر سه ضلع مثلث مسکن هوشمند یعنی زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی به دست آید (Sustainable housing in Queensland,2008:1). از دیدگاه چپو چهار اصل از جنبه‌های پایداری اجتماعی مسکن بدین قرار می‌باشد (Chiu,2004:69-74):

۱. منجر شدن پیش شرط اجتماعی به تولید و مصرف مسکن پایدار زیست محیطی؛

۲. توزیع و مصرف عادلانه منابع و دارایی مسکن؛
۳. روابط اجتماعی هماهنگ در درون سیستم مسکن؛
۴. کیفیت قابل قبول شرایط مسکن.

همچنین، «خانه و مسکن»، یکی از مهم‌ترین اشکال «سازمان‌دهی اجتماعی فضا» است که مانند بسیاری دیگر از مجموعه‌های ساخت بشر، ماهیتی دوگانه دارد: «۱. تحت تأثیر فرهنگ شکل می‌گیرد و ۲. به نوبه خود بر آن تأثیر می‌گذارد.» این فضا، در کانون توجه برخی از فیلسوفان معاصر مانند «گاستون باشلار»^۲ فرانسوی و «مارتین هایدگر»^۳ آلمانی قرار گرفته و به تبع آن، بحث‌هایی در سایر رشته‌ها نیز ایجاد شده است (اسمیت و کرافت، ۲۰۰۶، ص ۱۵). رویکرد انسان‌شناسی شناختی، معتقد است فرهنگ را بیش از مادیات و بخش‌های عینی آن باید در تصاویر ذهنی و عواطف و احساسات افراد جستجو کرد؛ چرا که همین بخش‌ها، شکل‌دهنده اجزاء کالبدی و ملموس هر جامعه هستند. بر همین اساس، این رویکرد، محتوای شناخت مردم را مورد بررسی قرار داده و بر نحوه نگاه کردن و درک آن‌ها از محیط پیرامونی‌شان متمرکز می‌شود. فرهنگ را به معنای عام کلمه به معنای پیشرفته‌های معنوی و ژرفای فکری یک قوم، قبیله یا ملت در طول تاریخ و مجموعه‌ای از ارزشها، هنجارها، آداب و رسوم، مذهب، سنن، زبان، ادبیات، قوانین اجتماعی، هنر و معماری، ابزار و اشیاء مربوط به یک ملت یا قوم می‌داند (خاکپور و شیخ مهدی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۱). فرهنگ برای طراحی محیط‌های مصنوع اهمیت دارد؛ چراکه شیوه هرکدام از گروه‌ها ویژگی خاص خود را دارد که عوامل عضویت در گروه اجتماعی نظیر سن، جنس، طبقه، مذهب، تحصیلات، حرفه، ایدئولوژی و غیره آن را تعیین می‌کند. روش زندگی به طور فزاینده‌ای در تقسیم‌بندی بازار مسکن، تحقیقات علمی درباره استفاده‌کنندگان و در طراحی واحدهای مسکونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. شیوه زندگی افراد را می‌توان با سنجش الگوی مصرف، خوراک، حمل و نقل، رسانه‌ها، نوع تفریح و گذران فراغت، ارتباطات جمعی، نوع استفاده از محیط اجتماعی تعیین نمود (پوردیهیمی، ۱۳۷۶، ص ۱۴).

از سویی دیگر، باید توجه داشت که مفاهیم روانی

2. Gaston Bachelard
3. Martin Heidegger

نیز اهمیتی اساسی در تعیین شکل خانه دارند که در رابطه با مفهوم روان‌شناختی مسکن و محیط انسان ساخت، «علی مدنی‌پور» در فصل هشتم از کتاب «فضاهای عمومی و خصوصی شهر»^۴ با یک نگاه ریشه‌ای، بنیادی‌ترین تفاوت میان فضاهای عمومی و خصوصی را تفاوت میان فضای درونی انسانی و فضای بیرونی جهان پیرامون می‌داند. وی در یک تحلیل، خصوصی‌ترین فضا را فضای درون بدن برشمرده، سپس اولین لایه که رفتار شخص، حرکات بدن و زبان در آن تبلور می‌شود را فضای شخصی می‌داند. وی به دنبال این مطلب خصوصی بودن فضا را عمدتاً به ملک خصوصی ارجاع داده و در یک تعریف کلی حوزه خصوصی را بخشی از زندگی شخص می‌داند که وی در محدوده ای شخصی و به دور از دید و اطلاع مردم یا کنترل حکومت و مقامات رسمی، آن را کنترل می‌کند. تعبیر عده‌ای از داشتن حریم شخصی این است که فرد حق دارد تنها و به حال خود باشد. بر اساس این تعبیر، فضای خصوصی بخشی از فضاست که فرد بر آن مالکیت و اختیار دارد و حق داشته از آن بهره انحصاری ببرد و دیگران را در آن راه ندهد (مدنی‌پور، ۱۳۸۴، ص ۲۷-۲۶).

رویکردهای نظری به مفهوم فرهنگی و زیست محیطی مسکن

رویکردهای نظری عبارتند از:

۱. «مطالعه معنای نمادین فرهنگی مسکن»: این رویکرد، معنای ویژه‌ای برای هر نماد در نظر می‌گیرد که به نظر می‌رسد تاحدی با تاکید رویکرد قبلی مبنی بر امکان وجود برداشت‌های مختلف از هر نماد در تعارض است. راپاپورت^۵ به توضیح نمادشناسی پرداخته و در تعریف نماد چنین می‌گوید: «هرگونه عینیتی در تجربه که انسان برای آن معنی تعیین کرده است» (راپاپورت، ۱۳۸۴، ص

4. Public and Private Opaces

۵. این مقاله‌ها نیز از راپاپورت به فارسی، ترجمه و منتشر شده‌اند:
- به سوی انسان‌شناسی خانه، ترجمه مسعود پرچمی عراقی، مجله آبادی، ش ۳۷ (شماره دوم دوره جدید)، زمستان ۱۳۸۱؛
- نظریه، فرهنگ و مسکن، ترجمه لیلا عمادی اللهیاری، مجله آبادی، ش ۶۱ و ۶۲، بهار ۱۳۸۸، ویژه پایانه‌ها و ورودی‌های شهری؛ و
- ابداع معماری؛ از غار تا شهر، ترجمه شهاب قندهاری، مجله آبادی، ش ۳۹ (شماره چهارم دوره جدید)، تابستان ۱۳۸۲.

۴۷). راپاپورت می‌گوید که رویکرد نمادشناسی، در عرصه طراحی محیط نقشی بازی نکرده و در مطالعات مربوط به معماری تراز بالا استفاده می‌شده است. با این حال راپاپورت تاکید می‌کند که «گرچه امروزه نمادها نه ثابتند و نه مشترک، اما هنوز هم در هر قلمرو فرهنگی، تداعی‌های مشترکی وجود دارد که از طریق استفاده یکنواخت، تقویت می‌شود» (راپاپورت، ۱۳۸۴، ص ۴۴). این روند تا بدان‌جا پیش می‌رود که برخی نمادها ماهیت فرافرهنگی پیدا می‌کنند.

۲. «رویکرد غیرکلامی در درک معنای فرهنگی

مسکن»: راپاپورت، تلاش‌هایی را برای فهم معنای محیط با استفاده از روش ارتباطات غیرکلامی آغاز می‌کند. او بحث خود را با سوال چیستی اثر محیط بر رفتار افراد شروع کرده و با ذکر مثال‌هایی ثابت می‌کند که محیط، همان‌طور که در ایجاد خود از افراد و فرهنگشان تاثیر می‌پذیرد پس از آن می‌تواند بر رفتار آن‌ها نیز تاثیر بگذارد. راپاپورت در این مورد تا آنجا پیش‌رفته که می‌گوید: «محیط همانند فرهنگ، به طور سنتی در شناساندن هنجارهای مناسب رفتاری در گروه نقش داشته است و بدون چنین مساعدتی، رفتار صحیح، سخت و طاقت‌فرسا می‌شود» (راپاپورت، ۱۳۸۴، ص ۶۷).

۳. «مطالعه معنای چندمجرایی فرهنگی مسکن»: در

این رویکرد، کلیه شیوه‌های ارتباطی غیرکلامی اعم از تن صدا، حالات چهره، وضعیت‌های کالبدی، حالات و روابط افراد به مثابه نشانه‌هایی به کمک تکمیل معنای یک کلام می‌آید و حتی از خود آن کلام، مهم‌تر می‌شود چراکه سریع‌تر و بیشتر از کلام، مورد توجه مخاطبان قرار می‌گیرند. راپاپورت، علت این مسئله را «چندمجرایی» بودن آن یاد می‌کند، یعنی حواس بیشتری را اعم از بینایی، شنوایی، بویایی و... درگیر معنی می‌سازد. او از آن جهت به رویکرد ارتباطات غیرکلامی در مطالعه محیط علاقمند می‌شود که به تعبیر خودش، محیط‌ها نیز همانند ارتباطات غیرکلامی، فاقد واژه‌های صریح برای بیان معنی هستند.

۴. «قواعد فهم اشاره‌های فرهنگی مسکن»: پرسش

بعدی راپاپورت درباره اینست که قواعد فهم اشاره‌های معماری مسکن و محیط، چگونه

یاد گرفته می‌شوند؟ بسیاری از آن‌ها معمولاً در سال‌های ابتدایی زندگی در طول فرهنگ‌سازی یاد گرفته می‌شوند و در مورد مهاجران نیز، با ورود به محیط جدید، فرآیند فرهنگ‌پذیری فعال شده و قواعد جدید آموخته می‌شوند. راپاپورت، فرهنگ را اعم از مادی و غیرمادی «اطلاعات منجمد» نامیده و تاکید می‌کند بیشترین سازگاری بین معانی مرتبط با محیط‌ها و رفتارها را زمانی می‌بینیم که انگاره‌های مشابهی رفتار و محیط را کنترل کنند. به عبارت دیگر، محیط بر مبنای ارزش‌ها و اصولی ساخته شده باشد که رفتارهای افراد را نیز شکل داده و هدایت می‌کنند. خلاصه بحث راپاپورت آنست که افراد با ورود به یک محیط، نشانه‌ها و اشاراتی را دیده، فهمیده و سپس می‌پذیرند. او در این‌جا تاکید ویژه‌ای بر نقش فضای خانگی در فرهنگ‌پذیری کودکان می‌کند، خصوصاً کودکانی که در مرحله پیش از یادگیری زبان قرار دارند. مثلاً، بچه‌هایی که در اطاق پدر و مادر می‌خوانند درک متفاوتی نسبت به فضا دارند تا بچه‌هایی که در فضایی جداگانه پرورش می‌یابند و یا خانه‌هایی که قلمروهای جداگانه زنانه/ مردانه دارند درک متفاوتی نسبت به محیط و اشارات آن برای بچه‌ها ایجاد می‌کنند. درک افراد از نظم/ بی‌نظمی، رسمی بودن/ غیررسمی بودن از خانه دوران کودکی به افراد آموخته می‌شود.

۵. «قواعد خوانش فرهنگی مسکن و محیط»:

راپاپورت به معرفی برخی قواعد خوانش محیط می‌پردازد. از جمله می‌گوید عموماً بناهایی که در ارتفاع قرار دارند از اهمیت بیشتری برخوردارند. از آن‌جایی که در بسیاری از فرهنگ‌ها بناهای مقدس عموماً با ارتفاع در ارتباطند ذهن در وهله اول، احتمال خاص بودن آن‌ها را می‌دهد، خصوصاً اگر مشاهده‌کننده فردی از فرهنگ تایلندی باشد که در آن، هیچ‌کس نمی‌توانسته بالاتر از ساختمان شاه، خانه‌اش را بسازد و یا منقوش‌تر و با تزئیناتی بیشتر و یا در کامبوج، این‌جبا هستند که خانه‌های خود را بر ارتفاع می‌سازند و بردگان فقط مجاز به خانه‌سازی در کف هستند.



نمودار ۱. نخستین ریشه کیفیت معماری در تاریخ مکتوب- نظریه ویتروویوس؛ ماخذ: نگارنده و نمودار ۲. عوامل نظم‌دهی به مسکن (راپاپورت)؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس راپاپورت، ۱۳۷۴.

کیفیت مسکن

مطلوبیت مسکن و معماری جایگاه ویژه‌ای در مطالعات معماری داشته و دارد؛ چنانچه مطالعات کیفیت محور و پژوهشهای مطلوبیت سنجی مسکن شهری، سهم بزرگی در عمق بخشیدن به دانش ارتباطات انسان و محیط خاصه در علوم مرتبط با روانشناسی محیطی ایفا کرده‌اند. این مطالعات اینک با گذشت بیش از سه دهه، دارای یک بدنه نظری رو به رشد و ترمینولوژی مفاهیم مخصوص بخود شده؛ و در چهارچوبها و نظام‌مندی‌های روانشناسی مسکن، اکولوژی انسانی و جامعه‌شناسی مسکن نیز محدود نمانده اند. اگر رویکردهای انتقادی در پژوهشهای کیفیت محور معطوف به مسکن شهری به معنای اعم کلمه و مفهوم مکان به معنای اخص کلمه گردد، مطالعات مکان، در یک دسته‌بندی کلی و فارغ از ارتباطات با نظامهای متعدد علمی، به «رویکردهای پدیدارشناسانه و اثبات‌گرای پدیدارشناسی، شناخت‌شناسی و زیبایی‌شناسی» دسته‌بندی شده‌اند. از سویی دیگر، مقوله سنجش کیفیت محیط در ادراک کاربران فضا، در زمره مفاهیم مرتبط با رسالت‌های دانش طراحی شهری است؛ چنانچه شاید یکی از مهمترین اهداف طراحی شهری معاصر دستیابی به کیفیت مطلوب زیستی در شهرها می‌باشد. پیش از شروع بحث رساله حاضر، لازم است اشاره شود:

۱. اولاً؛ معماری شهری دانشی است که به ساماندهی و ارتقای کیفیت محیطی عرصه‌های همگانی (شهری) می‌پردازد. پرداختن به ساماندهی و ارتقای کیفیت محیطی در فرایندی به انجام می‌رسد که مفاهیمی چون نمایانگرها و هنجارهای کیفی پاسخ‌دهندگی محیطی معنی‌دار می‌شوند. این هنجارها بر ویژگی‌ها یا حال و هوایی دلالت می‌کنند که معیار، مبین و شاخص پاسخ

دهندگی محیط هستند.

۲. دوماً؛ کیفیت یک شیئی درجه و میزان برتری، مشابهت یا فروتری آن نسبت به اشیاء دیگر است که توسط انسان از طریق ذهنی و عینی به عنوان مجموعه ویژگیهای آن شیئی درک و محسوب می‌گردد. کیفیت یک شیئی از دو منبع «ضمیر» ۶ فرد و خود «شیئی» ۷ نشأت می‌یابد که به ترتیب آنها را «ارزش» ۸ و «مقیاس اندازه‌گیری» ۹ نامیده، بیانگر دو گروه «کیفیت‌های مطلوبیتی» ۱۰ و «کیفیت‌های ظرفیتی» ۱۱ اشیاء هستند (Billings, 1993, p2).



نمودار ۳. انواع کیفیت مسکن از دیدگاه ارزش ضمیر مُدرک و مقیاس اندازه‌گیری خود مسکن؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس گلکار، ۱۳۸۰.

6. ego
7. object
8. value
9. measure
10. qualities of desirability
11. qualities of capacity

داس (۲۰۰۸) اظهار شده این است که شاخص‌های ذهنی نمی‌توانند وضعیت محیطی که مردم در آن زندگی می‌کنند، را ارائه دهند. شاخص‌های تشکیل دهنده ابعاد مختلف کیفیت عبارتند از:

۱. شاخصهای ابعاد اقتصادی کیفیت زندگی: رفاه اقتصادی فردی (درآمد سرانه فردی، ثروت، پس‌انداز سرانه، مالکیت مسکن، ارزش واحدهای مسکونی و غیره)؛ سلامت اقتصادی جامعه (درصد خانوادگی با درآمد بالاتر از خط فقر، ارزش‌افزوده به ازای هر نیروی کار در جریان تولید، شاخص نابرابری درآمدی، میزان بیکاری و غیره).

۲. شاخصهای ابعاد سیاسی کیفیت زندگی: فعالیت‌های شخصی (تیراژ روزنامه‌های محلی یکشنبه به ازای هر هزار نفر، درصد واحدهای مسکونی دارای تلویزیون، مشارکت در فعالیت‌های سیاسی، نسبت تعداد رأی‌دهندگان در انتخابات ریاست جمهوری به کل جمعیت در سن رأی‌دهندگان و غیره)؛ عوامل حکومت محلی (مهارت حرفه‌ای، میانگین دریافتی ماهانه آموزگاران تمام وقت، میزان جرایم خشونت‌آمیز به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر، شاخص سلامت جامعه، شاخص آموزش جامعه و غیره).

۳. شاخصهای ابعاد زیست محیطی: محیط زیست فردی و سازمانی (نمایه آلودگی هوا، میانگین سطح کلیه ذرات معلق در هوا، سطح پارک‌ها و نواحی تفریحی به ازای هر هزار نفر، تراکم جمعیت در شهر مرکزی منطقه کلانشهری، نفر در هر مایل مربع و غیره)؛ محیط زیست طبیعی (داده‌های آب و هواشناختی (اقلیم‌شناختی)، روزهای آفتابی ممکن در طول سال، میانگین سالانه وقوع پدیده وارونگی و غیره).

۴. شاخصهای ابعاد اجتماعی: رشد شخصی (وجود فرصت برای پشتیبانی از خود، بهبود رشد بیشینه توانایی‌های فردی، گسترش فرصت برای انتخاب شخصی، گسترش فضایی و غیره)؛ برابری فردی (نژاد، جنسیت، شرایط زندگی در جامعه، تسهیلات).

«گلکار» (۱۳۸۰، ص ۳۸-۶۵) معتقد است که «کیفیت» را می‌توان به عنوان برآیند سه نیرو (مولفه) «کیفیت عملکردی، کیفیت تجربی-زیباشناختی، و کیفیت زیست محیطی» در مقوله مکان و مسکن شهری در نظر گرفت:

۱. «کیفیت عملکردی» از یک‌سو دربرگیرنده تامین حرکت و دسترسی سهل و آسان پیاده‌ها از مسکن و سواره‌ها به مراکز جاذب شهری است و از سویی دیگر، دربرگیرنده عملکردهای دیگری همچون تفریح غیرفعال، تماشای مردم و مراسم گوناگون نیز بوده تا ضامن سرزندگی و غنای تجربه فضایی شهر گردند؛

۲. «کیفیت تجربی-زیباشناختی» به دریافتی ادراکی، شناختی و ترجیحات محیطی افراد در قبال مسکن سروکار دارد؛ و درنهایت،

۳. «کیفیت زیست محیطی» در بعد خرد آن مسکن و محیط محله است و در بعد کلان دغدغه «پایداری زیست محیطی شهری» را دارد.

در روش دیگر، کیفیت ذهنی زندگی بر حسب رضایت کلی افراد از زندگی و به عنوان یک کل اندازه‌گیری می‌شود. در این روش رضایت کلی از زندگی معمولاً با استفاده از پاسخ شهودی یا منطقی اندازه‌گیری می‌شود. در روش شهودی، افراد در مورد زندگی خود به عنوان یک کل مورد سوال قرار می‌گیرند. اما در روش منطقی، ابتدا افراد در مورد احساس خود از قلمروهای مختلف زندگی همچون مسکن، محیط طبیعی، امنیت، شغل، درآمد و غیره مورد سوال قرار می‌گیرند و هنگامی که افراد به این سوالات پاسخ دادند، احساس آنها در مورد زندگی به عنوان یک کل مورد سوال قرار می‌گیرد. در نتیجه آنها می‌توانند پاسخی منطقی با توجه به جنبه‌های مختلف زندگی ارائه دهند. اندازه‌گیری هر دو پاسخ شهودی و منطقی به بررسی این موضوع کمک می‌کند که آیا تغییری در دیدگاه افراد در مورد احساس آنها نسبت به زندگی پس از توجه به قلمروهای مختلف زندگی وجود دارد. برامستون و همکاران (۲۰۰۲)، ابراهیم و چانگ (۲۰۰۳)، مک کری و همکاران (۲۰۰۶) و لی (۲۰۰۸) از جمله محققانی هستند که از شاخص‌های ذهنی برای سنجش کیفیت مسکن استفاده کرده‌اند. با این وجود، شاخص‌های ذهنی پایایی کمتر و قابلیت اطمینان بیشتری دارند. یکی از دلایل پایایی کم گزارشات ذهنی همان‌طور که بوسیله

جدول ۳. کیفیت و مطلوبیت فضای سکونت در مجتمع‌های مسکونی؛ مأخذ: روشن و شکیبائی، ۱۳۹۰

معیار	زیرمعیار
کالبدی	نفوذپذیری، دسترسی به مراکز مهم، تراکم مناسب، کفایت خدمات محلی، اختلاط کاربری ها، سازگاری و مطلوبیت کاربری ها، مقیاس انسانی، شبکه دسترسی، سلسله مراتب فضایی، محصوریت مناسب، خوانایی محیط، پایداری و استحکام بناها و غیره.
اجتماعی و فرهنگی	سرزندگی، هویت و تعلق خاطر، کنترل و نظارت اجتماعی بر فضاهای عمومی، دسترسی عادلانه به فرصت ها، محوریت عرصه های عمومی، تحقق مشارکت شهروندان در امور، شکل گیری جامعه محلی و غیره.
اقتصادی	بهره وری اقتصادی از زمین، هزینه های دسترسی به مراکز خدمات و اشتغال، تنوع درآمدی و در نتیجه تنوع مسکن در سطح محله، خودکفایی و خوداتکائی محله یا شهر و غیره.
زیبائی شناسی	کنترل محورها و کریدورها، تنوع بصری، سازگاری بصری، تناوب بصری، وحدت اجزاء، تنوع رنگ، کاربرد عناصر بومی و نمادین
زیست محیطی	زمینه سازی برای حفاظت از اکوسیستم ها، سبزینگی، کارایی مصرف انرژی، سیستم دفع پسماندهای خانگی، تعادل محیط طبیعی و مصنوع، عدم آلودگی هوا، عدم آلودگی صوتی، تراکم بهینه جمعیتی و ساختمانی.

مطلوبیت مسکن

سکونت دربرگیرنده اجزاء ملموس و غیرملموسی است که کوچکترین واحد عینی آن مسکن می‌باشد. رضایتمندی از مسکن ابعاد کالبدی و اجتماعی نسبتاً مشخصی را داراست؛ در ارتباط با جنبه‌های کالبدی آن می‌توان به مقدار فضای واحد مسکونی، تعداد اتاق‌ها، مساحت خانه، سرانه زیربنا، سرانه فضای باز، ظاهر درونی و بیرونی و تأسیسات و در ارتباط با ابعاد اجتماعی آن می‌توان به شاخص‌هایی همچون نفر در اتاق، نفر در واحد مسکونی، خانوار در واحد مسکونی اشاره نمود. بعلاوه به نظر می‌رسد در میان قشر کم درآمد و محروم همواره نگرانی از وقوع جرم و تجاوز به حریم واحد مسکونی وجود دارد و امنیت واحد مسکونی یکی از استانداردهای مطلوب مسکن برای آنها تلقی می‌گردد. همچنین مالکیت مسکن نیز می‌تواند یکی از عوامل مهم در ایجاد رضایت‌خاطر شهروندان از زندگی در شهر باشد (1998, Varady & Priers). یکی از رویکردهای نوین در زمینه اصلاح و گسترش مفهوم توسعه، مطرح شدن کیفیت زندگی و دخالت دادن شاخص‌های کیفی در ابعاد توسعه شهری است. به کارگیری این مفهوم، در واقع واکنشی است علیه توسعه تک بعدی در مقیاس شهر. یکی از نتایج توجه به مفهوم کیفیت زندگی در فرایند برنامه ریزی و طراحی شهری، تأثیرات مطلوب آن بر حیات معنوی شهروندان می‌باشد که در گذشته، کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت. این امر به نوبه خود مستلزم شناخت نیازهای انسانی و

تنوع آنهاست (مهدیزاده و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۴۶). مازلو، روانشناس آمریکائی نیازهای انسان را این چنین برمی‌شمرد: نیازهای زیستی، تعلق، زیباشناختی، ایمنی، حرمت و احترام، خودشکوفایی (مازلو، ۱۳۶۷). بنابراین با توجه به تنوع نیازهای انسانی، نمی‌توان صرفاً به تأمین نیازهای بیولوژیک او پرداخت و از سایر ویژگی‌ها و نیازها در ارائه برنامه غافل شد. زمانی که سخن از محله و فضای سکونت به میان می‌آید شاید اولین طرح واره‌ای که در ذهن، جان می‌گیرد، مربوط به کالبد آن باشد؛ زیرا کالبد، خود را به سهولت به نمایش می‌گذارد. از طرف دیگر به واسطه مستقیم بودن پیام‌های ارسالی برای ذهن، مقایسه آن با نمونه‌های مشابه آسان‌تر است. گرچه معیارهای کالبدی، ابزاری سریع و مفید در تشخیص دادن به محلات شهر به شمار می‌روند، اما اگر به تنهایی مرکز توجه قرار گیرند، همواره خطری را برای محله‌ها در بر خواهند داشت. از این رو توجه به معیارهای غیرکالبدی نیز به نوبه خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (افشار نادری، ۱۳۸۳، ص ۵). شرایطی که برای شاخص شدن یک مکان به عنوان فضای سکونت مطرح می‌گردد، در اصل توقعاتی هستند که امکان‌گذار از مفهوم زیستن به مفهوم سکونت را فراهم می‌آورند؛ این دو تفاوت‌های اساسی با یکدیگر دارند؛ زیستن فقط امکان و شرط لازم برای زندگی کردن است. اگر برای زیستن برخورداری از آسایش تا حدودی کفایت می‌کند، برای سکونت علاوه بر این‌ها احساس آرامش، امنیت، صمیمیت و رفاه مورد نیاز

جدول ۴. معیارهای کیفی مسکن مطلوب؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

شاخص‌ها کلی تحقیق	معیارهای مورد سنجش	نظریه پردازن اصلی
مطلوبیت کالبدی	قابلیت تغییرپذیری، چیدمان مناسب فضا، وجود عرصه‌های میانی، تفکیک پذیری مناسب فضاها، ظاهر آراسته و نمای خوب	James. W. Wentling. Ola Nylander. Abulhazze, T. Appleyard D.
مطلوبیت کارکردی	فضاهای جمعی مناسب، چشم‌اندازهای زیبا، فضاهای مناسب پذیرایی	Rayan Lawson, Basolo, V. & Strong, D. Parker, R. G. Ola Nylander. Jan lang. Kiyozumi
مطلوبیت اجتماعی	حفظ حریم خصوصی، ارتباط با همسایگان، حفظ شأن اجتماعی، مشارکت در طراحی، بافت اجتماعی ساکنین، احساس امنیت، عدم مشرف بودن	Oscar Newman, N.J.habraken, Leon Pastalan, Aron Altman, Clare Cooper, Amos Rapoport, Merigo, M & Aragonés, J. I. Galster, G. Lesser, G.
مطلوبیت فرهنگی	ایجاد حس هویت، احساس تعلق، حاوی نماد و نشانه‌های فرهنگی، احساس آشنایی و تداعی‌کنندگی، ایجاد حس سکونت	Amos Rapoport, Herbert Gens, Raymond Williams, Brayan Lawson, Desmond Morris, Gaston Bachelard, Stuart Hall, Martin Lajdeger, J.L.Nesser, Evans & McCoy, J.Hipp.

معماری اکولوژی (بوم‌شناسی)

محیط زیست نیز شامل خصوصیات فیزیکی است که از عوامل جاندار و غیر جاندار تشکیل شده است. در واقع اکولوژی رشته‌های گسترده، متشکل از بسیاری از زیر رشته‌ها مانند اکوفیزولوژی، اکولوژی تکاملی، اکولوژی رفتاری و اکولوژی معماری است. (اصغری، ۱۳۹۰). واژه ecology برای اولین بار توسط «ارنست هکل» ۲ در سال ۱۸۶۶ با عنوان okologic برگرفته از واژه یونانی oikos ابداع گردید و در سال ۱۸۷۳ وارد زبان انگلیسی شد. هکل برای اولین بار این اصطلاح را به عنوان علمی جامع از رابطه ارگانیسم‌ها و محیط زیست تعریف نمود. واژه اکولوژی به عنوان یک اصطلاح دارای ریشه یونانی است. Oikos در یونانی به معنای خانه و oikoememe به معنای خانه تمام بشریت است (اصغری، ۱۳۹۰). اکولوژی یعنی مطالعه علمی نوع رابطه گیاهان و جانوران و انسان‌ها و با یکدیگر و با محیط اطرافشان. به‌طور ساده‌تر اکولوژی یعنی شناخت این گیاهان و جانوران. امروزه علم اکولوژی و علم محیط زیست، که وسیع‌تر از آن است، اهمیت بسیاری پیدا کرده و در بسیاری از کشورها هیچ پروژه‌ای تا عواقب زیست‌محیطی آن ارزیابی نشده باشد، اجرا نمی‌شود (بهزادپور و بابایان، ۱۳۹۴). معماری اکولوژیکی عمدتاً به بررسی تاثیر خصوصیات زیست محیطی بر ساختمانها و ساکنین آن و محیط زیست می‌پردازد. این اصطلاح عموماً

است (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳، صص ۱۶۰-۱۴۷). کیفیت سکونت مفهومی چندوجهی، نسبی، متأثر از زمان، مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است؛ که از یک سو ابعاد عینی و بیرونی و از سوی دیگر ابعاد ذهنی و درونی را در بر می‌گیرد (رضوانی، ۱۳۸۷، ص ۴).

برخی از محققان، رضایت از مسکن را به عنوان مؤلفه اصلی کیفیت زندگی مورد تأکید قرار می‌دهند و در خصوص آن چهار نوع رضایت را بر می‌شمارند:

۱. «رضایت ناشی از داشتن» ۱۲ که متأثر از میزان برخورداری افراد از امکانات می‌باشد.
۲. «رضایت ناشی از ارتباط» ۱۳ که معطوف به روابط اجتماعی است.
۳. «رضایت ناشی از بودن» ۱۴، که پنداشت فرد نسبت به خویشتن و تعریف از کیستی خود بوده و دلالت بر معناداری و کنترل بر زندگی خود در مقابل از خود بیگانگی دارد.
۴. «رضایت ناشی از اقدام و عمل» ۱۵ که بیشتر معطوف به چگونگی زمان در اختیار، در قالب اوقات فراغت و غیره می‌شود (غفاری و امید، ۱۳۸۸، ص ۴).

12. Having
13. Relation
14. Being
15. Action

به عنوان چهارچوبی برای توصیف طراحی ساختمان‌های زیست‌محیطی (چند بعدی) و نحوه تعادل و تعامل آنها با طبیعت استفاده می‌شود. این تعادل از طریق سه مؤلفه عمده زیر برقرار می‌گردد (اصغری، ۱۳۹۰): ۱. بوم‌شناسی مصالح و تکنولوژی ساخت (بوم‌شناسی عناصر)؛ ۲. بوم‌شناسی منابع؛ ۳. بوم‌شناسی محیط.

طراحی اکولوژیک همچنین به عنوان طراحی پایدار، طراحی زیست‌محیطی انسان از محیط ساخته شده، معماری سبز و طراحی سبز شناخته شده است. مدیریت فرآیندهای اکوسیستم و منابع تجدیدناپذیر از طریق ecomimicry پیش می‌رود که طراحی جوامع انسانی و محیط ساخته شده است که مدل را از اکوسیستم‌های طبیعت تقلید می‌کند. اهداف اصلی آن یکپارچه‌سازی فیزیکی و مکانیکی فرم‌ها و زیرساخت‌های ساخته شده با ویژگی‌های اکوسیستم و فرآیندهای یک سایت می‌باشد که از کاهش منابع انرژی، آب و مواد اولیه، تخریب محیط زیست در طول دوره زندگی جلوگیری می‌کند. طراحی اکولوژیکی ارتباط میان محیط زیست ساخته شده و محیط طبیعی است. این شامل هر طرحی است که سازگار با محیط بوده و اثرات تخریبی آن را که شامل اثرات فیزیکی، سیستماتیک و زمانی است به حداقل ممکن می‌رساند (Yeang & Woo, 2010).

بیان یافته‌های تحقیق

بعد از تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده، نشان می‌دهد که به نظر اکثریت ساکنین این ساختمان‌های مسکونی با رویکرد زیست‌محیطی عدم رضایت خود را با ۷۳٪ نسبت به کمبود فضاهای مشترک بین واحدها، اعلام داشته‌اند. اگرچه این ساختمان‌ها با ۵۶٪ موافقت ساکنین در رابطه با طراحی حجم بیرونی روبرو هستند، اما همچنان تمایل به تغییرات دیده می‌شود. در راستای بهبود وضعیت پایداری موجود، ساکنین با ۴۳٪ ترجیح به داشتن فضای تعاملی در غالب سالن اجتماعات بوده‌اند. در این میان، ترجیحات بعدی در جدول ۱ آمده است. در راستای حفظ حریم شخصی و ایجاد احساس امنیت، ۷۸٪ از ساکنین تمایل به فضای تک‌واحدی داشته‌اند. همچنان با میزان ۴۲٪، اکثر ساکنین تمایل به فضای ورزشی در محوطه سبز بیرونی ساختمان داشته‌اند. شایان ذکر است که برای بهینه‌سازی هرچه بیشتر مصرف ۷۵٪ از ساکنین همچنان تمایل به پایدار سازی مصرف آب رداشته‌اند. در بخش بعدی، در رابطه با ترجیحات

طراحی ساکنین، برای پوشش کف ۴۵٪ از ساکنین تمایل به سنگ و سرامیک داشته‌اند. ساکنین با ۴۸٪ ترجیح به داشتن پوشش پرده پارچه‌ای برای پنجره‌ها بوده‌اند. در این میان، ترجیحات بعدی در جدول ۲ است. در راستای ارزشگذاری و استفاده از آثار هنری، ۴۲٪ از ساکنین تمایل به تابلوی نقاشی و عکس داشته‌اند. همچنان با میزان ۵۱٪، اکثر ساکنین تمایل به طیف رنگی گرم داشته‌اند. قابل توجه است که برای تامین نور محیط ساختمان، ۹۸٪ از ساکنین همچنان تمایل به نور طبیعی را داشته‌اند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

تحقیقات مختلفی مفهوم پایداری را در معماری مورد مطالعه قرار داده‌اند و در راستای آن، ساختمانهایی تحت عنوان پایداری در کشورهای مختلف جهان و کشور ما به طور محدود (طراحی و ساخته شده‌اند. اما از آنجا که مفهوم پایداری از سه محور (محیطی، اقتصادی و اجتماعی) مشتق می‌شود واقعیت این است که این ساختمانها نتوانسته‌اند به همه‌ی ابعاد پایداری دست یابند و در اکثر موارد به یکی از این رویکردها پرداخته شده است. پژوهشهای زیادی با این هدف، دست به بررسی ابعاد محیطی و زیست‌محیطی پایداری زده‌اند. اما مشکل اصلی این گونه مطالعات که سبب دست نیافتن به اهداف می‌شود، عدم توجه به ادراک و نمودهای رفتاری ساکنان در مواجهه و سکونت در محیط است. این پژوهشها اغلب با تمرکز بر اینگونه معیارها، رضایتمندی ساکنان و ادراک آنان را که به سبب حضور و زندگی در ساختمان حاصل می‌شود، نادیده می‌گیرند. این در حالیست که این ادراکات و تجربیات آنان، در رفتارهایی که در این ساختمانها رخ می‌دهد اثرگذار خواهد بود. در این مطالعه پس از شناسایی مسئله که شواهد زیادی مبنی بر مزایای گسترده‌ی ساختمانهای مبتنی بر اصول پایداری و ساختمانهای دارای رویکرد زیست‌محیطی وجود دارد اما هیچ مدرکی دال بر حمایت از این ادعا وجود ندارد که اینگونه ساختمانها برای ساکنانش آسایش بیشتری فراهم می‌آورد. با در نظر گرفتن اهداف مطالعه که، یکی ارزیابی سطح کیفی تجربه ساکنین در وضعیت موجود در هر دو فضاهای خصوصی و فضاهای مشترک ساختمانهای مسکونی و دیگری شناسایی عوامل محیطی طراحی طبق نیازهای فرهنگی، اجتماعی و سلیقه ساکنین در داخل واحدهای مسکونی و در فضاهای مشترک بین همسایگی بوده است، بهترین روش تحقیق را بکار گرفته است. در این

تحقیق کمی، برای پیشبرد مطالعه، ۲۰۴ پرسشنامه در چهار ساختمان مسکونی با رویکرد زیست محیطی در تهران ارائه شده است. بعد از ارزیابی پرسشنامه‌ها، و خارج نمودن پرسشنامه‌های مردود، ۱۹۶ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفته شده است. همانطور که در نتایج بالا مطرح شد، بعد از تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از پرسشنامه‌های جمع آوری شده، اکثریت ساکنین این ساختمان‌های مسکونی با رویکرد زیست محیطی عدم رضایت خود را با ۷۳٪ نسبت به کمبود فضاهای مشترک بین واحدها، اعلام داشته اند و ترجیحات ساکنین به ترتیب اولویت بندی شامل سالن اجتماعات، فضاهای بازی، نشیمن لابی و کتابخانه در مشاعات داخلی ساختمان‌های مسکونیشان؛ و فضاهای ورزشی، محوطه بازی کودکان، آلاچیق نشیمن و فضایی برای پخت و پز در مشاعات محوطه فضای سبز ساختمان‌های مسکونیشان بوده اند. اگرچه این ساختمان‌ها با ۵۶٪ موافقت ساکنین در رابطه با طراحی حجم بیرونی روبرو هستند، اما همچنان تمایل به تغییرات دیده می‌شود. این مقاله سهم قابل توجهی را در طراحی ساختمان سبز و ارزیابی عملکرد فعلی آنها با توضیح تجربیات و ترجیحات کاربران ساختمان‌های مسکونی با رویکرد زیست محیطی دارد. ویژگی‌های طراحی در ساختمان‌های سبز و زیست محیطی در حال حاضر تنها با معیارهای زیست محیطی و یا اقتصادی قابل سنجش می‌باشد اگرچه این دسته از تحقیقات می‌تواند سبب توسعه بیشتر پایداری در عرصه اجتماعی باشد. در این راستا، محقق پیشنهاد می‌کند تا سیستم و چارچوبی برای ارزیابی طراحی از منظر کاربری‌های فضاهای عمومی و مشاعات ساختمان‌های مسکونی با رویکرد زیست محیطی تعریف و در نظر گرفته شود. ساخت چارچوب رتبه بندی طراحی و افزایش فضاهای تعاملی در ساختمان‌های سبز در آینده، گامی ضروری در راستای معماری پایدار است. در نتیجه این تحقیق، بعنوان توصیه و مدلی برای طراحان آینده ساختمان‌های سبز و ذینفعان پروژه‌ها معرفی میشود. طراحان ساختمان سبز باید بازخورد کاربران آن ساختمان سبز قبلی را در نظر بگیرند. مطالعات موردی و ارزشیابی پس از اشغال، برای دستیابی به عملکرد بالاتر در ساختمان‌های سبز، الزام احترام به ترجیحات کاربران طبق تجربیات آنها از فضاهای فعلی به شدت احساس میشود. محقق معتقد است با اینکه ساختمان‌های فعلی با رویکرد زیست محیطی در تهران، با نواقصی در مبحث همه جانبه

پایداری در این ساختمان‌ها روبرو هستند، اما همچنان این ساختمان‌ها گامی نو در عرصه معماری کشور داشته اند. با توجه به اینکه اصول اولیه مطرح شده این معماری نوین تاثیرگذار بر روی مسائل زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد، ارائه مطالعاتی جامع در این بستر در راستای بهبود اوضاع کشور است. محقق امیدوار است با پیشبرد درست این مطالعه، شکل صحیحی از معماری زیست محیطی ارائه شود تا از مزایای اقتصادی، اجتماعی و محیطی بیشترین استفاده صورت گیرد.

منابع و ماخذ

۱. اطهاری، کمال (۱۳۸۲) فقر مسکن در ایران؛ فقر سیاست اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸.
۲. افشار نادری، کامران (۱۳۷۴) نقد، آبادی، سال پنجم، شماره هفدهم.
۳. افشار نادری، کامران (۱۳۷۴) هم‌نشینی اضداد در معماری ایرانی، آبادی، سال پنجم، شماره نوزدهم.
۴. افشار نادری، کامران (۱۳۷۸) از کاربری تا مکان؛ مجله معمار، شماره ۶.
۵. رضوانی، محمدرضا، منصوریان، حسین (۱۳۸۷) سنجش کیفیت زندگی، بررسی مفاهیم، شاخصها، مدلها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۳.
۶. قاسمی اصفهانی، مروارید (۱۳۸۳) اهل کجا هستیم: هویت بخشی به بافت‌های مسکونی، انتشارات روزنه.
۷. گلکار، کورش (۱۳۸۰) مؤلفه‌های سازنده کیفیت محیط شهری، نشریه صفا، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۲.
۸. گلکار، کورش (۱۳۷۹) طراحی شهری پایدار در شهرهای حاشیه کویر، مجله هنرهای زیبا، شماره ۸، زمستان ۱۳۷۹.
۹. گلکار، کورش (۱۳۸۱) طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرح‌های توسعه شهری تهران، انجمن صنفی مهندسان مشاور معمار و شهرساز.
۱۰. مدنی پور، علی (۱۳۸۲) فضاهای عمومی شهر. ترجمه صفوی، علی. فصلنامه مدیریت شهری. شماره ۱۴. تابستان ۱۳۸۲.

۱۱. ارژمند، محمود و خانی، سمیه. (۱۳۹۴) نقش خلوت در معماری خانه ایرانی. مطالعات شهری ایرانی اسلامی، ۲ (۷): ۲۷-۳۸
۱۲. فضلعلی، زینب و پورطاهری، مهدی و افتخاری، عبدالرضارکن‌الدین (۱۳۹۵) ارزیابی تغییرات الگوی مسکن روستایی استان مازندران. پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۴۸ (۴): ۹۵-۱۳۱
۱۳. فکوهی، ناصر و غزنویان، زهرا (۱۳۹۱) بررسی انسان شناختی تنوع فضایی مطلوب از منظر ساکنان خانه‌های شهری تهران، البرز و قزوین، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۲ (۲): ۲۹-۵۲
۱۴. زارعی، یعقوب (۱۳۹۶) سنجش و تحلیل کیفیت مسکن با بهره‌گیری از روش تصمیم‌گیری چندشاخصه فازی. هفت‌حصار، (۲۰): ۳۶-۵۰
۱۵. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۱) حس حضور، مطلوب‌ترین برآیند ارتباطات انسان با محیط. مطالعات معماری ایران، ۱ (۲): ۲۷-۴۶
۱۶. نجف‌آبادی، عاطفه و مهدوی‌پور، حسین (۱۳۹۲) نقش تکنولوژی بومی در کیفیت فضاهاى مسکونی. مسکن و محیط روستا، (۱۴۱): ۵۱-۶۸
۱۷. پوردیبهیمی، شهرام (۱۳۹۰) فرهنگ و مسکن. مسکن و محیط روستا، (۱۳۴): ۳-۱۸.
۱۸. مدنی پور، علی (۱۳۸۷) طراحی فضای شهری (نگرشی بر فرآیندهای اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.
۱۹. مدنی پور، علی (۱۳۸۹) فضاهاى عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نوریان، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۲۰. مدنی پور، علی (۱۳۹۰) طراحی شهر خرد (مبانی و چارچوب‌ها)، ترجمه بهادر زمانی، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. مهدیزاده، جواد (۱۳۷۶) درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های شهر سازی، مهندسان مشاور فنهاد، تهران
۲۲. مهدیزاده، جواد (۱۳۸۰) به سوی شهرسازی دموکراتیک، مدیریت شهری، شماره ۵
۲۳. مهدی‌زاده، جواد (۱۳۸۲) «امکانات و کاربردهای برنامه‌ریزی راهبردی در ایران»، فصلنامه مدیریت شهری. شماره ۱۴، تهران: گروه مطالعات و برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور، ۱۳۸۲.
۲۴. روشن، مینا و شکیبائی، فاطمه (۱۳۹۰) بررسی تطبیق‌پذیری نگاه شهروند و شهرساز به رضایت از سکونت؛ سمینار مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، مشهد.
۲۵. اهنگری، محمد (۱۳۹۶) خانه‌های قدیمی ایران، تهران، نشر ماهرز.
۲۶. اسماعیل پور، نجمنا (۱۳۸۹) بررسی وضعیت مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی و آرایه راهبردهای ساماندهی آنها (نمونه موردی: محله حسن آباد یزد)، شماره چهارم، سال اول، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای.
۲۷. قرخلو، مهدی و هاشمی، هادی (۱۳۸۵) شاخص‌های توسعه پایدار شهری، شماره هشتم، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای.
۲۸. محمودی، محمد مهدی (۱۳۸۸) توسعه مسکن همساز با توسعه پایدار، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۹. مفیدی شمیرانی، سید مجید و افتخاری مقدم، علی (۱۳۸۸) توسعه پایدار شهری، دیدگاه‌ها و اصول اجرایی آن در کشورهای در حال توسعه، شماره ۱۲، سال ششم، فصلنامه بین‌المللی پژوهشی ساخت شهر.
۳۰. ملکی، سعید و شیخی، حجت، (۱۳۸۸) بررسی نقش شاخص‌های اجتماعی مسکن در سطح استانهای کشور با استفاده از روش شاخص ترکیبی توسعه انسانی، نشریه مسکن و محیط روستا.
۳۱. سپهری، مهنوش و مفیدی شمیرانی، سید مجید (۱۳۹۲) بررسی عوامل پایداری اجتماعی در طراحی مجتمع‌های مسکونی، تهران.
۳۲. اصغری، ریحانه (۱۳۹۰)، «بررسی مقایسه‌ای ریشه‌ها و مؤلفه‌های معماری پایدار و معماری اکولوژیک»، مجموعه مقالات دومین همایش ملی معماری پایدار، همدان
۳۳. بهزادپور، محمد و بابایان، سحر (۱۳۹۴)، «مبانی توسعه پایدار و اکولوژی در شهر»، چاپ اول. تهران: انتشارات ساکو.
۳۴. ضرغامی، اسماعیل (۱۳۸۹) اصول پایداری اجتماعی مجتمع‌های مسکونی در شهرهای

- and psychological stress: Effects of office ergonomics training. *Environment and Behavior*, 36(5), 617-637.
47. Kopec, D. (Ed.). (2017). *Health and Well-being for Interior Architecture*. Taylor & Francis.
 48. Kopec, D. A. (2006). *Environmental psychology for design*. New York: Fairchild, p. 211.
 49. Kotler, P. (1974) - atmospherics as a marketing tool-
 50. Lee, Y. S., & Guerin, D. A. (2009). Indoor Environmental Quality Related to Occupant Satisfaction and Performance in LEED-certified Buildings. *Indoor and Built Environment*, 18(4), 293-300. doi: 10.1177/1420326x09105455. Architectural Research Symposium in Finland 2014.
 51. Lee, Y. S., & Guerin, D. A. (2009). Indoor Environmental Quality Related to Occupant Satisfaction and Performance in LEED-certified Buildings. *Indoor and Built Environment*, 18(4), 293-300. doi: 10.1177/1420326x09105455. Architectural Research Symposium in Finland 2014-
 52. Lerum, V. (2008). *High-performance building*. John Wiley & Sons.
 53. Mansour, O. E. (2014) - Reflections on The Image of Green Buildings: An Ethnographic Evaluation of A "LEED" Certified Elementary School. Paper presented at the Proceedings of the 6th Annual.
 54. Piotrowski, C. M., & Rogers, E. A. (2010). Designing commercial interiors. John Wiley and Sons.
 55. Saegert, S., & Winkel, G. H. (1990). Environmental psychology. *Annual review of psychology*, 41(1), 441-477.
 56. varady, Susan (2003) *Living Sustainably*. San Francisco, Calif.: Smart Apple.
 57. Wiley, J. A., Benefield, J. D., & Johnson, K. H. (2010) - Green design and the market for commercial office space. *The Journal of Real Estate Finance and Economics*, 41(2), 228-243
 58. Wiley, J. A., Benefield, J. D., & Johnson, K. H. (2010) - Green design and the market for commercial office space. *The Journal of Real Estate Finance and Economics*, 41(2), 228-243-
 59. Yeang, Ken & Woo, Lillian (2010), *Dictionary of Ecodesign, An Illustrate*
 35. Adair, W. L., & Brett, J. M. (2002). Time, culture, and behavioral sequences in negotiations. *Northwestern University Dispute Resolution Research Center Working Paper*, 268.
 36. Altomonte, S., & Schiavon, S. (2013). Occupant satisfaction in LEED and non-LEED certified buildings. *Building and Environment*, 68, 66-76.
 37. Athens, L. (2007). Design for Social Sustainability at Seattle's Central Library. *Journal of Green Building*, 2(1), 1-21.
 38. Awang, M. B. (1996). *Malaysian Household Furniture: A Study of Design Preferences and Consumers' Selection Principles*. UiTM, Shah Alam.
 39. Baird, G. (2010). *Sustainable buildings in practice: what the users think*. Routledge.
 40. Baird, G. (2011). Did that building feel good for you? Or-Isn't it just as important to assess and benchmark users' perceptions of buildings as it is to audit their energy efficiency?. *Intelligent Buildings International*, 3(2), 124-130.
 41. Birren, F. (1988). *Light, color & environment: presenting a wealth of data on the biological and psychological effects of color, with detailed recommendations for practical color use, special attention to computer facilities, and a historic review of period styles*. Schiffer Publishing.
 42. Bonnes, M., & Bonaiuto, M. (2002). *Environmental psychology: From spatial-physical environment to sustainable development*. *Handbook of environmental psychology*, 28-54.
 43. Chiu, L.H. 2004, *Socio-Cultural Sustainability of Housing: a Conceptual Exploration, Theory and Society*, University of Hong Kong, China
 44. Ghorbani, Sh. (2014) - Environmental stress prevention in pediatric wards by design. UiTM. Malaysia
 45. Hoffman, A. J., & Henn, R. (2008). Overcoming the social and psychological barriers to green building. *Organization & Environment*, 21(4), 390-419.
 46. Huang, Y. H., Robertson, M. M., & Chang, K. I. (2004). The role of environmental control on environmental satisfaction, communication,





پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی